

نقش معماری و عوامل کالبدی محیط آموزشی بر تسهیل یادگیری کودکان

مژگان ترکمان^{۱*}، سارا جلالیان^۲، امید دژدار^۳.

دانشجوی کارشناسی ارشد، گرایش معماری، دانشکده هنر معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول).

عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

پست الکترونیک: M.t700@yahoo.com

چکیده

توجه به ویژگی‌های روحی و جسمی کودکان و الگوهای رفتاری آن‌ها در طراحی محیط‌های آموزشی و عوامل کالبدی موجود، می‌تواند به یادگیری کودکان و بروز استعدادها و درنهایت به رشد و شکوفایی آن‌ها کمک کند. از این رو، طراحی مدارس با توجه به نیازهای ویژه کودکان بین ۶-۱۲ سال، از اهمیتی ویژه برخوردار است. آنچه که این مقاله به آن پرداخته جنبه‌های مختلف تأثیر فضاهای آموزشی و عوامل کالبدی این فضاها بر یادگیری کودکان با رویکرد کیفی و روش توصیفی تحلیلی از طریق بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه است. نتیجه حاصل بیان می‌کند که عوامل سازنده محیط آموزشی بر تسهیل یادگیری کودکان مؤثر است و این اثر بخشی به گونه‌ای است که مجموع این عوامل در کنار یکدیگر شرایطی را فراهم می‌کنند تا دانش‌آموزان بتوانند راحت‌تر بر روی مطالب درسی تمرکز کنند و از طرفی شرایط بهتری را نیز برای معلم به وجود می‌آورد تا او نیز بتواند مطالب درسی را بهتر به دانش‌آموزان انتقال دهد؛ از این طریق باعث تسهیل یادگیری برای دانش‌آموزان می‌شود.

واژگان کلیدی: محیط آموزشی، یادگیری، روحیات کودکان، عوامل کالبدی.

۱-مقدمه

کودکان حساس‌ترین و تأثیر پذیرترین گروه سنی جامعه را تشکیل می‌دهند و در حساس‌ترین و مهمترین سالهای زندگیشان یعنی زمانی که پایه‌های رشد شخصیتی -ذهنی- جسمی و اجتماعی آن‌ها شکل می‌گیرد تا زمانی که وارد شهر می‌شوند نیازمند این هستند تا زندگی اجتماعی را در مقیاس خود تجربه کنند؛ و این امر مستلزم فراهم بودن فضایی کودکانه و صمیمانه است فضایی به دور از هیاهوی دنیای بزرگتر، دنیایی پر از شادی با رنگهای زیبا که در آن کودک فرصت بیان افکار تازه و پرورش و رشد استعدادهایشان را داشته باشد، فضایی که زمینه‌ای مناسب برای خلاقیت کودکان فراهم آورد (حسین پوریان، ۱۳۹۰: ۴۰).

آموزش و به تبع آن محیط‌های آموزشی بیشترین اثر و نقش را بر ذهنیت و تمدن‌سازی جوامع به عهده‌دارند. نزدیک به دو قرن، مدارس بزرگی بر مبنای مدل خطی یادگیری ساخته می‌شدند که در این مدارس باید گروه‌های همسانی از بچه‌ها در یک فضا که کلاس نامیده می‌شود جمع شوند و در طول یک سال، فرایندی را با کسب دانش‌های گوناگون طی کنند و در پایان امتحانی از آن‌ها بر اساس استانداردهای تدوین شده گرفته می‌شود؛ برای این که بتوان از آنچه آن‌ها باید می‌آموختند اطمینان حاصل شود و سپس آن‌ها به کلاس و مرحله بالاتری فرستاده شوند. این چرخه ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که آن‌ها به سنی برسند که بتوانند این محیط را ترک کنند و وارد بازار کار شوند. نظریه‌پردازان زیادی